

پایه :	۹	موضوع:	رجال
تاریخ :	۹۳/۰۳/۲۶	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از مشایخ الثقات تا آخر کتاب - ۲۰۳ تا آخر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. کدام گزینه در جواب از نقض‌های وارد شده بر توثیق مشایخ الثقات صحیح نیست؟
 ب ۲۶۴ ع ۱۵۱
- ا. بیشتر افراد مذکور از معاصران مشایخ الثقات هستند
 ب. نقل مشایخ ثلاثه از این افراد، ثابت نیست
 ج. وجه ضعف بیشتر افراد مورد نقض، از جهت مذهب است
 د. برخی افراد مذکور ضعیف نیستند یا قولی بر وثاقت آنان وجود دارد
۲. علی‌رای المصنف، وجود «عدة من اصحابنا عن أحمد بن محمد» فی روایات کافی لا یوجب الإرسال
 د ۴۴۸ ع ۱۵۱
- ا. لوجود من یوثق به فی العدة كمحمد بن یحیی العطار
 ب. لإستفاضة الخبر بذلك
 ج. لحصول الاطمئنان غالباً
 د. لأنّ المذكورین بعنوان العدة، مشایخ إجازة الكلینی
۳. به نظر مصنف مراد از «أبا بصیر» کیست؟
 ا ۶۶۲ (ع: ۱: ۲)
- ا. یحیی بن ابی القاسم الأسدی
 ب. یوسف بن الحارث البتری
 ج. عبدالله بن محمد الأسدی
 د. عبد الله بن محمد الحجال
۴. النسبة بین صحیح القدماء و صحیح المتأخرین فحكم الشیخ الصدوق بصفة أحادیثه صحتها باصطلاح المتأخرین. ا ۳۸۲
- ا. العموم و الخصوص المطلق - لا یستلزم
 ب. التباين - لا یستلزم
 ج. العموم و الخصوص من وجه - یستلزم
 د. التساوی - یستلزم

تشریحی

۱. دو مورد از ادله قائلین به صحت تمامی احادیث «کافی» را بنویسید. ۳۶۰-۳۶۷ ع ۱۵۱
- الوجه الأول: المدائح الواردة فی حقّ الكتاب كقول الصدوق بأنه من أجلّ كتب الشيعة وأكثرها فائدة، والشهيد بأنه لم يعمل للامامية مثله.
 الوجه الثاني: المدائح الواردة فی حقّ المؤلف كقول النجاشي بأنه أوثق الناس فی الحديث وأثبتهم.
- * لو كانت التسوية (بین مراسیل هؤلاء الثقات و مسانید غیرهم) صحیحة لذكرت فی كلام أحد من القدماء؛ فمن المظمأنّ به، أن منشأ هذه الدعوی هو دعوی الكشّی الإجماع علی تصحیح ما یصحّ عن هؤلاء ...، مضافاً إلى أنّ الشیخ بنفسه ردّ فی مواضع، رواية ابن أبی عمیر؛ للإرسال. ۲۲۹ ع ۱۵۲
۲. با توجه به عبارت، چه اشکال‌هایی بر «وثاقت مشایخ الثقات» وارد است؟ توضیح دهید. وجه تأکید را در عبارت بیان کنید.
۱. اگر تسویه درست بود در کلام قدما به آن اشاره می‌شد ۲. خود شیخ در مواردی روایت ابن ابی عمیر را به جهت ارسال رد کرده است

- * ربما یستدلّ علی وثاقه کل من کان وکیلاً من قبل المعصومین بما رواه الكلینی عن علی بن احمد عن الحسن بن عبد الحمید قال: «شککت فی أمر «حاجز» فجمعت شیئاً ثم صرتُ إلى العسکر فخرج إلىّ لیس فینا شک و لا فی من یقوم مقامنا بأمرنا ردّ ما معک إلى حاجز» فلو لم تكن الوكالة ملازمة للعدالة لما کان للذمّ معنی. ۳۴۵
۳. مدعی و دلالت روایت بر آن را توضیح دهید.

أ. مدعی: هر کس وکیل از ناحیه امام بیهم باشد عادل و ثقة است. روایت دلالت دارد بر مذمت کسی که شک کند در مورد وکیل امام که به امر امام بیهم قائم مقام اوست و اگر وکالت ملازمه با عدالت نداشت این مذمت معنی نداشت.

* قال النجاشی: محمد بن إسماعیل بن میمون الزعفرانی أبو عبد الله، ثقة عین، روی عن الثقات ورووا عنه ولقی أصحاب أبي عبد الله بیهم ۲۸۰

۴. آیا محمد بن اسماعیل از اصحاب امام صادق بیهم است؟ چرا؟

ب. آیا از عبارت نجاشی می توان وثاقت جمیع مشایخ زعفرانی را ثابت کرد؟ چرا؟

خیر؛ چون به گفته نجاشی، محمد بن اسماعیل اصحاب امام صادق بیهم را درک کرده است.

خیر؛ چون انحصار روایت از ثقة استفاده نمی شود.

* ربما يقال: «إن اعتماد ابن الوليد أو غيره من الأعلام المتقدمين على رواية شخص والحكم بصحتها لا يكشف عن وثاقة الراوى أو حسنه و ذلك لاحتمال

أن الحاكم بالصحة يعتمد على أصالة العدالة» وهذا لا يفيد من يعتبر وثاقة الراوى أو حسنه في حجية خبره. ۲۹۴

۵. قول مذکور و اشکال آن را توضیح دهید.

حکم کردن ابن ولید به صحت روایتی کاشف از وثاقت راوی آن نیست زیرا شاید او بر اساس اصالة العدالة حکم به صحت و عدالت کرده

و این برای کسی که عدالت را شرط می داند کافی نیست بلکه باید احراز شود.

۶. آیا توثیق کردن علی بن ابراهیم تمام مشایخ را در مقدمه تفسیر، دلالت بر توثیق همه راویان مذکور در تفسیر می کند؟ چرا؟ ۳۲۰

خیر؛ زیرا تفسیر ایشان ملق است مما رواه جامع التفسیر عن علی بن ابراهیم عن مشایخه إلى المعصومین بیهم و مما رواه عن عدّه من

مشایخه عن مشایخهم إلى المعصومین بیهم.

* هم الذين قالو إن جعفر بن محمد بیهم حی لم یمت و لا یموت حتی ینظر و یلی أمور الناس و أنه هو المهدي بیهم و زعموا أنهم رووا عنه أنه قال: إن رأیتم

رأسی قد أهوی علیکم من جبل فلا تُصدّقوه فإنی أنا صاحبکم. ۴۰۹

۷. عقیده فرقه ناووسیه را به اختصار بنویسید.

جعفر بن محمد نمرده است و نخواهد مرد و او مهدی موعود است

* قال صاحب المعالم: قد یری فی بعض الأحادیث عدم التصريح باسم الإمام الذي یروی عنه الحديث بل یشار إليه بالضمیر و ظن جمع أن مثله قطع ینافی

الصحة و ليس ذلك على إطلاقه بصحيح إذ القرائن فی أكثر تلك المواضع تشهد بعود الضمیر إلى المعصوم. ۴۷۲

۸. مراد از «ظن جمع أن مثله قطع» چیست؟ پاسخ آن چه می باشد؟

عده ای گمان کرده اند که این موجب مقطوعه شدن روایت و عدم صحت آن می شود ولی این کلیت ندارد بلکه در خیلی موارد قرینه داریم

بر اینکه ضمیر بر معصوم عود می کند. و آن قرینه این است که قبلاً در کلام و جملات قبل اسم امام بیهم ذکر شده و بعد روایت تقطیع شده

و ضمیر عائد بر آن است و این مقتضای بلاغت می باشد.

۹. چرا مدح هایی که درباره کتاب شریف کافی وارد شده، ما را از بررسی تک تک راویان آن بی نیاز نمی کند؟

یستفاد من هذه المدائح اعتبار الكتاب بما هو هو فی مقابل عدم صلاحيته للمرجعية و المصدرية أما استفادة غني المستنيط عن ملاحظة آحاد رجال

أحاديثه فلا.